

تاریخ و تاریخ نویسی در اسلام *

میرحسین شاہ

نوشتن تاریخ یکی از کارهای قدیمی بود که اعراب پس از ظهور اسلام به آن دست زدند. علاقه طبیعی اعراب مسلمان به افسانه ها و حکایات مربوط به پیام قبل الاسلام، جنگ های قبیای، وقایع مهم مانند خراب شدن سد مارب و کندن چاه زمزم و واقعه فیل، آرزوی خلفای متقدم به تحقیق احوال پادشاهان گذشته علاقه مسلمانها به جمع اخبار مربوط به پیغمبر اسلام (صلعم) و صحابه، لزوم تحقیق نسب هر یک از مسلمانها، رابطه ایشان با پیغمبر و قدامت ایشان در اسلام، که بواسطه آن مقدار حقوق آنها از خزانه بیت المال تعیین میگردد، تفسیر اشعار عرب (یکی از قدیمی ترین و ارزشمندترین کشف یافته ترین طرز بیان اشعار عرب) شناختن اشخاص و جاهائی که در آثار مذهبی ذکر شده، آرزوی مردمان منتهوچه به ثبت موفقیت های خودشان بجهت معارضه با فتح اعراب همه این مطالب تحقیقات تاریخی و تدوین آن علم را تقاضا میکرد. ماخذ تاریخ اسلام داستانهای قبل الاسلام و احادیث بود که از زبانی بزبانی نقل می شد این روایات مربوط به پیغمبر اسلام و اصحاب او بود. سلسله انساب، اشعار عرب، به شمول غزلی و قصیده و بالاخره قرآن و آثار مذهبی دیگر از ماخذ تاریخ اسلام به شمار می آمد.

الندیم داستان سرای یمنی را ذکر می کند که عبید ابن شریه نام داشت، عبید برای معاویه (۶۶۱-۶۸۰) بعضی از آثار مربوط به تاریخ عربستان جنوبی را

* ترجمه از انسایکلوپدیا آف-وشیل ساینسز پاد ابراهام مارف علوم اجتماعی.

جمع کرد. این اثر بدون شبهه تا دوره مسعودی (وفات ۹۵۶) موجود بود. اما آثار قدیم تاریخ که تا حال حفظ شده در دوره خلفای عباسی بعد از (۷۵۰) تدوین گردیده و مشتمل است بر سوانح (سیره) کتابهای فتح (مغازی)، جینیالوجی (انساب) طبقات محمد ثین، شعرا و امثال آن.

قدیمی ترین کتاب سیرت عبارت است از سیرت پیغمبر بقلم ابن اسحق (وفات ۷۶۷) که بواسطه ابن هشام (وفات ۸۳۴) به ما رسیده و اقصی از مدینه (۷۴۷-۸۲۳)، او این کتاب مهمی را در مغازی و فتوح از خود بیادگار گذاشت و منشی او ابن سعد (وفات ۸۴۵) کتاب طبقات را در شرح سوانح نگاران نوشت مورخ بزرگ اسلام پس از و اقدی ابلا ذری (وفات ۸۷۲) است و او اولین شخصی است که حکایات فتوحات شهرها و اراضی مختلف را در اثر جامعی بنام فتوح البلدان جمع کرد.

در این آثار قدیم تاریخی، و آثاری که بعد از آن به میان آمد، طرز بیان روش حدیث بود هر واقعه بسکامات شخصی که دیده یا معاصرین او یا شخصی که این واقعه باو رسیده بواسطه روایات مسلسل بیان میگردد. باین ترتیب بلاذری داستان تسلیم شدن نجران را به پیغمبر اینطور بیان می کند: بکر بن حیثم روایت کرد که من که عبدالله بن صالح گفته است باو، به استناد لیث بن سعد بن یونس بن یزید عن ظهوری که گفت: «همین روایت ممکن است در همین صفحه با اندکی تغییر یا اصلا بدون تغییر بیان گردد».

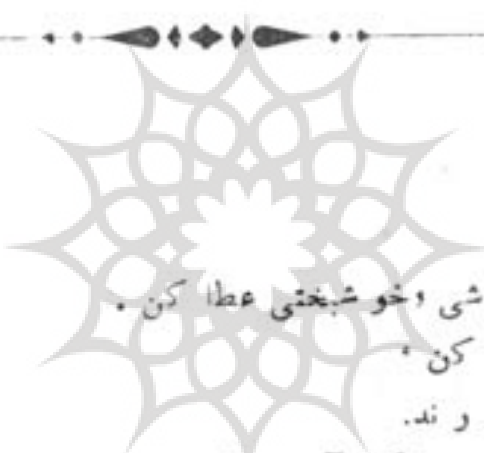
تعقیب واقعه بر اوی نهائی دامت تعیین تاریخ وقایع را به ماه و روز بمیان می آورد اما هر ثقی بودن روایت به سلسله این سلسله (اسناد) و اعتماد بر روای است نه تحقیق انتقادی اصل واقعه. علاوه بر قضاوت شخصی در انتخاب سلسله روایات و ترتیب مراد تاریخ به ندرت به تجربه، انتقاد، مقایسه و استنباط دست میزد تا در طبری زمینه برای تدوین رسمی تاریخ مساعد شد مفکوره واقعه نگاری در این وقت به طرح سلسله کامل روایات انکشاف یافت. در حالیکه در طب و فلسفه اثر یونان روشن بود در تاریخ نویسی روش ایران تعقیب گردید. نمونه این کار عبارت بود از خد اینامه (کتاب پادشاهان) که ابن مقفع آنرا بنام سیر ملوک عجم ترجمه کرد. تاریخ طبری که روش تدوین آن روشن کرد و نولوجیک

(زمانی - بترتیب تاریخ زمان درست شده) بود که تحت سالهای هجری ۱۰۰۰ بق به سال وقوع ذکر شده اولین تاریخ عمومی را تشکیل میدهد از روش انالیتیک (واقع‌نگاری) مورخین دیگر من جمله ابن مسکویه (وفات ۱۰۳۰)، تعقیب کردند بعد از آن تدوین تاریخ با بن اثیر (وفات ۱۲۳۴) ابوالفدا (۱۲۷۳-۱۳۳۱) روبز وال گذاشت با این ترتیب مورخین اسلام که در دو قرن اول محدث و راوی بودند کرد و نیکلر (وقایع نویسی) شدند مسعودی که پس از طبری مورخ بزرگ اسلام است در تاریخ نویسی روش جدیدی را آغاز کرد او عوض اینکه وقایع را بد و رسال جمع کند بلکه پدیدور پادشاهان، خانواد های سلطنتی و عناوین جمع نمود روش او هر چند به واسطه ابن خلدون و مورخین کوچک تعقیب گردید مانند روش طبری استقبال نگردید و واقعه نویسان عرب (ترتیب سال) تاریخ سیاسی را تاریخ واقعی میدانستند جنبه های اقتصادی و اجتماعی زندگی طرز منمنی بیان می شد علت تاریخ غالباً مربوط به ارا ده خداوند بود زیرا الله همیشه در امور مداخله داشت.

دوره عباسی های متأخر و صلیب مورخین بزرگ بمیان نیاورد پس از ابن اثیر سبط ابن جوزی (۱۱۸۶)، بها الدین حلبی (۱۱۴۵-۱۲۳۴) سوانح نگار صلاح الدین عثمان بن منقذ (۱۰۹۵-۱۱۸۸) و ابوشامه (۱۲۰۳-۸۶) مراد با رزشی درم - ورد تصاصمات نظمی و روابط فرهنگی بین مسلمان ها و فرانک ها ایجاد کردند غالب این آثار بزبانه ی جدید اروپائی ترجمه شد، با وجود آنکه آثار قدیم عرب را مردمان اروپا در قرن وسطی نمی شناختند ابن خالکان (۱۲۱۱-۱۲۸۹) اولین مورخ اسلام است که آنچه نزد ما فرهنگ سیره ملی نام دارد به میسان آورد. قیسلارو یا قوت، غلام آزاد شده یونانی الاصل، فرهنگ جامع علما را تدوین کرد و ابن عساکر سو انحر جلال برجسته را که بدمشق مر بوط بود در هشت جلد نوشت اکثر مورخین دوره مملوک (۱۲۵۰-۱۵۱۷) که آثار آنها بواسطه ابن تغری بردی (۱۴۱۱-۱۴۶۹) بما رسیده روش حدیث - ادب تاریخ نویسی تعقیب میکردند.

امام المازنی (۱۳۶۴-۱۴۴۲) از رادرفتنه محرف شد و در المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطا والاثار نتمشه و عتیقیات قاهره را بیان کرد ابن جلدون اولین شخص است که در مقدمه کتاب العبر فلسفه جامع تاریخ اسلام را بیان کرده او در اثر اساسات علمی تاریخ را وضع کرد و تاریخ را ریکارد تکامل اجتماعی انسان

مربوط به عالی جسمانی طبیعی، میداندست و عقیده داشت که محیط بر افراد و جمعیت
 ها تاثیر دارد معذالک این فیلسوف تاریخ‌نویس در اثر خود کتاب العبر قافون
 علمی خرد را تطبیق کند و همچنان تاثیر او بر مورخین ما بعد باندازه ای نبود که
 باید انتظار داشت. تاریخ‌نویسی در اسلام تا امروز خود را از قید سبک معمول آزاد
 فکرده است و هنوز هم رشته ای از ادبیات عرب و علوم اسلامی شمرده می‌شود معینا
 بعضی از علمای جدید مانند عرب‌سیوی مصری جرجی زیدان (وفات ۱۹۱۴) و عدو
 ای از مسلمانها نیکه در پوهنتون های اروپا تربیه شده اند می‌خواهند روش انتقادی را
 در مجموعه بزرگ مواد عرب استعمال کنند این سبک عربی بر آثار فارسی اسلام تاثیر
 کرده اما بعضی از مورخین ترک مانند احمد جودت پاشا (۱۸۲۲-۱۸۹۵)
 و مصطفی نوری (وفات ۱۸۹۰) موفقانه آنرا انتخاب و تطبیق نموده اند.



از یشت

ای اهورا، خوشی و خوشبختی عطا کن .
 گله و رومه عطا کن .
 که خوشبختی آورند .
 پاهیان قهرمان عطا کن، آنچه‌ا نک، بسیار زور و تو انا مغلوب نشونده و شکست
 ناپذیر باشی پادشاه که شکست ناپذیر باشی و با سبب مردم باشند .

گزیستا

رتال جامع علوم انسانی

از تو زور میخوام ،
 روز فیروزمند میخوام
 صحت و درمان میخوام .
 فراوانی و برکت میخوام ،
 از تو خواستگارم که در میان مردم صاحب ارمانهای خود باشم . دشمنان خود را
 مغلوب کنم بدها و درندگان را نابود کنم
 خراش دوم من اینست، ای هوا ما که مرگ را از من دور داری که در روی
 زمین چالا کانه و دلیرانه راه دوم دشمنان خود را مغلوب سازم
 بدها و درندگان را نابود کنم .